

## تأثیر الحاق کرانه باختری بر محور مقاومت

احمد زارعان<sup>۱</sup>

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیست و چهارم، شماره ۱، پیاپی ۹۳، بهار ۱۴۰۲؛ صفحات ۱۳۳ - ۱۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵

### چکیده

پیش از ۷۵ سال از آغاز اشغالگری صهیونیست‌ها در فلسطین می‌گذرد. صهیونیست‌ها طی این مدت برای تحقق مرزهای توراتی، مورد ادعای خود، با اتخاذ رویکرد توسعه طلبانه، سیاست اشغال زمین‌های متعلق به فلسطینی‌ها را به شیوه‌های مختلف دنبال کرده‌اند. در حالی که محور مقاومت کلیت اشغالگری رژیم صهیونیستی در فلسطین را محکوم و نفی می‌کند و جامعه بین‌الملل فقط حاکمیت این رژیم بر اراضی ۱۹۴۸ را به رسمیت می‌شناسد، صهیونیست‌ها از سال ۱۹۶۷ به بعد اشغال تدریجی کرانه باختری را از طریق شهرک‌سازی دنبال کرده‌اند؛ به گونه‌ای که در حال حاضر حدود ۴۶۰ هزار صهیونیست در بیش از ۱۳۰ شهرک غیرقانونی احداث شده در کرانه باختری زندگی می‌کنند. در راستای سیاست توسعه سرزمینی، رهبران صهیونیست طرح‌های مختلفی برای اشغال کرانه باختری با عنوان الحاق ارائه کرده‌اند. آخرین طرح الحاق متعلق به بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، است. نتانیا هو حتی تاریخ اول ژوئیه ۲۰۲۰ (۱۱ تیر ۱۳۹۹) را به عنوان زمان اجرایی شدن طرح الحاق اعلام کرده که به دلیل فشارهای بین‌المللی، اختلافات داخلی صهیونیست‌ها و موضع قاطع گروه‌های مقاومت، این طرح در تاریخ مذکور اجرایی نشد. با توجه به اهمیت راهبردی کرانه باختری، صهیونیست‌ها از اشغال کرانه باختری صرف نظر نمی‌کنند و در اولین فرصت مناسب آن را اجرایی خواهند کرد. این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای در گردآوری داده‌ها و روش توصیفی-تحلیلی در تحلیل یافته‌ها به دنبال بررسی تأثیر الحاق کرانه باختری بر محور مقاومت است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که الحاق کرانه باختری گرچه باعث تخریب زیرساخت‌های دولت ملی فلسطین خواهد شد، اما فرصت‌هایی مانند انزوای بین‌المللی رژیم صهیونیستی در سطح بین‌المللی، قرار گرفتن مسئله فلسطین در مرکز توجهات جهانی و افکار عمومی، افزایش اقبال به گفتمان مقاومت مسلحانه در مقابل رژیم صهیونیستی و در نهایت توقف روندهای مخربی را که به ضرر آرمان فلسطین در جریان است، در اختیار محور مقاومت قرار خواهد داد. همچنین الحاق کرانه باختری احتمالاً به شکل‌گیری انتفاضه سوم خواهد انجامید و هزینه‌های امنیتی رژیم صهیونیستی را به شدت افزایش خواهد داد. در صورت الحاق موفقیت‌آمیز کرانه باختری به اراضی اشغالی و تثبیت حاکمیت صهیونیست‌ها بر این منطقه، محور مقاومت در ابعاد گفتمانی، هویتی، روشی، انگیزشی،

۱. استادیار پژوهش‌کننده مطالعات بین‌الملل دانشگاه جامع امام حسین (ع)

نظامی، سیاسی و راهبردی با چالش روبه‌رو خواهد شد.

واژگان کلیدی

فلسطین، کرانه باختری، رژیم صهیونیستی، محور مقاومت، الحاق

اشغال فلسطین توسط صهیونیست‌ها طی فرآیندی بلندمدت و از اواخر قرن نوزدهم اتفاق افتاد. آژانس یهود از چند دهه قبل از اعلام تشکیل دولت یهودی در فلسطین، فعالیت خود را بر مهاجرت دادن یهودی‌ها از اقصی نقاط جهان به فلسطین متمرکز کرده بود. بنابراین، سال ۱۹۴۸ میلادی را باید زمان اعلام رسمی اشغال فلسطین توسط صهیونیست‌ها و تشکیل یک رژیم جعلی، نژادپرست در سرزمین فلسطین در نظر گرفت. در سال ۱۹۴۸ صهیونیست‌ها با توجه به واقعیت‌های جمعیتی فلسطین و تمرکز و تراکم فلسطینی‌ها در دو منطقه کرانه باختری و نوار غزه، نتوانستند این دو منطقه را اشغال و به عنوان بخشی از دولت نامشروع خود معرفی کنند. اما به دلیل اهمیت و ظرفیت‌های ژئواستراتژیکی، ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی، این مناطق به ویژه کرانه باختری، همواره مترصد فرصت مناسب برای اشغال کامل این مناطق و انضمام آن به سایر مناطق اشغالی بودند. اگرچه اضافه کردن این مناطق به مناطق اشغالی سال ۱۹۴۸ از سوی صهیونیست‌ها در اصطلاح «الحاق» نامیده شده است، اما واژه دقیق‌تری برای این اقدام، «اشغال» است. طرح‌های صهیونیست‌ها برای «الحاق کرانه باختری» به اراضی اشغالی همگونی بسیار از اشغال قدس در سال ۱۹۶۷ ارائه شده‌اند. با این حال از همان ابتدا سازمان ملل الحاق کرانه باختری به اراضی اشغالی را اقدامی غیرقانونی اعلام کرده که موجب نقض قوانین بین‌المللی می‌شود.

در استانه اجرایی شدن این طرح در سال ۲۰۲۰، منابع مختلفی در رژیم صهیونیستی از توقف موقت این طرح خبر دادند و بنی گانتز، وزیر جنگ وقت رژیم صهیونیستی، اجرای این طرح را در اول ژوئیه ۲۰۲۰ نامناسب بیان کرد. به نظری رسد طرح الحاق کرانه باختری در حال حاضر به دلیل برخی اختلافات داخلی بین رهبران رژیم صهیونیستی و نگرانی آنها از پیامدهای اجرای این طرح در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به صورت موقت متوقف شده است (مهر، ۱۳۹۹). در نهایت در حالی که

مقرر شده بود در اول ژوئیه ۲۰۲۰ (یازدهم تیر ۱۳۹۹)، طرح الحاق ۳۰ درصد از کرانه باختری همراه دره رود اردن به اراضی اشغالی ۱۹۴۸ اجرایی و به صورت رسمی عملی شود، بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی، اجرایی شدن این طرح را اعلام نکرد و این گونه، طرح الحاق تازمانی نامعلوم به تعویق افتاد (کلهر، ۱۳۹۹).

با توجه به اینکه صهیونیست‌ها پیش از نیم قرن است که سودای اشغال کرانه باختری و الحاق آن به اراضی ۱۹۴۸ را در سردارند و از آنجا که طی این دهه گذشته از طریق اقداماتی مانند شهرک‌سازی و مهاجرت دادن فلسطینی‌ها از سکونتگاه‌های خود و یهودی کردن مناطق مختلفی از کرانه باختری، زیرساخت‌های لازم را برای این اقدام فراهم کرده‌اند، به نظری رسد دیر بازود، طرح اشغال کرانه باختری را اجرایی خواهند کرد. این مقاله ضمن بررسی روند شهرک‌سازی در کرانه باختری و طرح‌های صهیونیست‌ها برای اشغال کرانه باختری، تأثیر اشغال کرانه باختری و الحاق آن به اراضی ۱۹۴۸ بر محور مقاومت را مورد بررسی قرار خواهد داد. در این مقاله برای گردآوری داده‌ها به منابع کتابخانه‌ای مراجعه و برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها از روش توصیفی-تحلیلی استفاده خواهد شد.

تعریف مفاهیم: دولت ملی

دولت ملی، یا ملت. دولت نوع خاصی از دولت در جهان مدرن است که در آن یک دستگاه سیاسی در قلمرو ارضی معین، دارای حق حاکمیت است و می‌تواند این حق را با قدرت نظامی پشتیبانی کند. در این نوع دولت، جمعیت کشور، شهروند محسوب می‌شوند (کیدنز، ۱۳۸۴: ۳۴۱). دولت یا ملت. کشور شکل خاصی از دولت‌سازی است که مشروعیت خود را از اعمال حاکمیت به نام یک ملت در واحد سرزمینی دارای حاکمیت کسب می‌کند. ماکس وبر<sup>۱</sup> ملت. کشور

۱. Nation-State

۲. Max Weber



مدرن را «ساختار سیاسی دارای حق انحصاری اعمال اقتدار مشروع در سرزمین مشخص» تعریف کرده است. از نظر روبر، ملت کشور دیدن‌ای مدرن است که عقلانی شدن ساختارهای گوناگون اداری، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، آن را از ساختارهای سیاسی پیشین مانند امپراتوری‌ها و حکومت‌های قبیله‌ای متمایز می‌کند (دلریور، ۱۳۸۹: ۵). ملت دارای چهار رکن: سرزمین، جمعیت، حاکمیت و حکومت است.

- سرزمین: شامل گستره جغرافیایی با مرزهایی مشخص می‌شود و در طول تاریخ، مهم‌ترین عنصر دولت ملی بوده است و دولت‌ها تمایل داشتند تا آنجا که ممکن است بر گستره آن بیفزایند.

- جمعیت: تا پیش از عصر جدید در قالب ملت تعریف نشد و افراد مقیم در مرزهای یک کشور رعایای سلطان محسوب می‌شدند و جمعیت تبلور حاکمیت و حکومت بود.

- حاکمیت: مفهومی قانونی به معنای سیطره دولت در سراسر سرزمین است. مشروع بودن و انحصار استفاده از زور و خشونت فیزیکی، برای اعمال قوانین از مؤلفه‌های حاکمیت است. حاکمیت در سیستم بین‌المللی نتیجه پیمان و ستفالی در اروپا بود که بعدها از طریق استعمار و تأثیر اجتماعی و فرهنگی اروپا به سراسر جهان صادر شد.

- حکومت: گروهی از افراد (کارگزاران) که در چارچوب دیوان سالاری (ساختارها) حکومت را اداره می‌کنند (نقیب‌زاده، ۱۳۸۸).

باری بوزان معتقد است ملت دولت، علاوه بر ارکان چهارگانه فوق، دارای رکن دیگری به نام «اید دولت» است. مقصود از «اید دولت» همان فلسفه وجودی دولت، یعنی این مشترک شکل یافته میان مردم درباره ضرورت و هدف شکل خاصی از دولت و پذیرش زندگی زیر حاکمیت آن است که میان مردم و یک موجودیت سیاسی-اجتماعی و سرزمینی خاص پیوند ایجاد می‌کند. اید دولت ارتباط جامعه و دولت را توضیح می‌دهد و به مثابه جوهره، بنیاد و قلب هویت سیاسی دولت عمل می‌کند و دولت را

به عنوان موجودی منظم، منسجم و پایدار باقی ننگه می‌دارد. ماهیت ایده دولت، بنیانی شناختی و ارزشی دارد؛ یعنی جامعه در فرایند تعاملات اجتماعی و بر اساس تبادل ایده‌ها و اندیشه‌ها و به صورت بین‌الذهانی، عقلانی جمعی در باب نوع خاصی از جامعه سیاسی با اهداف و ویژگی‌های خاص می‌یابد و اهداف را در چارچوب آن برای خود تعیین می‌کند. بدون ایده دولت، نهادهای حکومتی نمی‌توانند دوام آورند. این به معنای اهمیت نداشتن نهادهای حکومتی نیست، بلکه ایده دولت نیازمند نهادهای قوی حمایت‌کننده است و این دو به یکدیگر نیاز متقابل دارند و به تعبیر باری بوزان «ایده‌ها و نهادها به طور غیر قابل تفکیکی در هم فرو رفته‌اند» (بوزان، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

ایده دولت شامل اهداف و آرمان‌هایی می‌شود که مردم از آن حمایت می‌کنند و حکومتی که دارای حقیق حاکمیت بر سرزمین مسنخ و جمعیت ساکن در این است برای تحقق و باز تولید آن شکل گرفته است. حکومت‌ها برای تحقق و باز تولید ایده دولت (نظام ایده)، ساختارهایی را ایجاد می‌کنند و کارگزارانی را در این ساختارها به کار می‌گیرند تا کارگزاران با استفاده از روش‌های صحیح و در چارچوب ساختارهای موجود، اهداف و آرمان‌های مورد توافق ملت و دولت را محقق کنند. راست‌گرایان افراطی صهیونیست بر اساس دکترین اشغال کامل فلسطین، با تشکیل هرگونه دولت فلسطینی مخالف‌اند و سیاست تخریب زیرساخت‌هایی را که برای تشکیل دولت ملی فلسطین لازم است، دنبال می‌کنند. این زیرساخت‌ها عبارت‌اند از: جمعیت، سرزمین، حکومت، حاکمیت و ایده دولت. طرح اشغال کرانه باختری و الحاق آن به مناطق اشغالی ۱۹۴۸ در راستای مقابله با آرمان حداقلی فلسطینی‌ها که در چارچوب پیمان اسلودنبال می‌کردند، یعنی تشکیل دولت فلسطینی در کرانه باختری و غزه، قلمداد می‌شود.

سیاست رژیم صهیونیستی: تداوم روند اشغال سرزمین

سیاست اصلی صهیونیست‌ها از ابتدا تا کنون، اشغال زمین و توسعه سرزمینی بوده است. «اسرائیل شاهاک» حدود مورد ادعای

صهیونیست‌ها بر اساس «مرزهای توراتی ارض اسرائیل» را که طبق تأویل خاخام‌ها، به دولت یهود تعلق دارد، چنین معرفی می‌کند: «در جنوب همهٔ سینا و بخشی از مصر سفلی تا حدود قاهره؛ در خاور همه اردن، یک تکه درشت از عربستان سعودی و کویت؛ در عراق جنوب غربی فرات؛ در شمال، همه سوریه (از جمله لبنان) و یک جزء وسیع از ترکیه (تا دریایچه وان)؛ در باختر قبرس». این محقق «مرزهای توراتی اسرائیل» که با عنوان «از نیل تا فرات» شناخته می‌شود، در درون جامعه صهیونیستی هواداران جدی و پیروپاقرصی دارد. انهایی هم که مخالفت می‌کنند، امکان عملی شدن آن در شرایط فعلی را ممکن نمی‌دانند ولی به این آرمان اعتقاد دارند. آریل شارون در مه ۱۹۹۳ به طور صریح پیشنهاد کرد که اسرائیل سیاست رسمی خود را بر پایه «مرزهای توراتی» پایه‌ریزی کند. شاهاک معتقد است بیش از انگیزه‌های دینی، انگیزه‌های سلطه‌جویانه، محرک صهیونیست‌ها برای تحقق آرمان «مرزهای توراتی» است و رژیم صهیونیستی به دنبال تحمیل سلطه و اراده خود بر دولت‌های خاور میانه به عنوان قدرتی امپریالیستی است (شاهاک، ۱۳۷۶: ۶۷۰).

بن‌گوریون معتقد بود آرمان صهیونیسم جز از طریق یک «جنبش اسکانی» در فلسطین با موفقیت همراه نخواهد شد. وی گفت: «در صورت گسترش نیافتن اسکان و تملک زمین، تلاش‌های سیاسی ما با انگلیس نتیجه‌ای در بر ندارد». وی با اشاره به اسکان اروپاییان در قاره آمریکا و موفقیت آمیز بودن شیوه استعمار اسکانی، بر ضرورت استعمار فلسطین از طریق استعمار اسکانی تأکید کرد. از نظر بن‌گوریون، یهودی‌ها نیز باید همانند اروپایی‌ها که به منظور محکم حضور خود در قاره جدید جنگی چند جانبه با طبیعت و بومیان را پشت سر گذاشتند، عمل کنند و در این راه از خود فداکاری نشان دهند. آنچه بن‌گوریون بر آن تأکید داشت قبلاً در کنگره صهیونیست‌ها در شهر «بال» سوئیس در سال ۱۸۹۷ به آن اشاره شده بود. در قطعنامهٔ این کنگره تصریح شده بود که نخستین وسیله برای تحقق هدف صهیونیسم در پیشبرد استعمار فلسطین، تملک زمین‌های کشاورزی فلسطینی‌ها توسط کارگران زراعی یهودی است



(سلیم، ۱۳۸۶: ۲۴۹-۲۴۸). ماده ۱۰ اساسنامه آژانس یهود تصریح می‌کند: «زمین برای ملت یهود استملاک می‌شود. زمین خریداری شده به نام صندوق ملی یهود ثبت می‌شود و تا ابد به نامش باقی می‌ماند تا املاک همچنان در مالکیت ملت یهود و غیر قابل انتقال بمانند» (سلیم، ۱۳۸۶: ۳۳۲).

صهیونیست‌ها همانند اسپانیایی‌ها و پرتغالی‌ها که سرخ‌پوستان و بومیان قاره تازه کشف‌شده را افرادی وحشی و بی‌تمدن تلقی می‌کردند که هیچ حقی در مالکیت سرزمین و منابع آن ندارند، فلسطینی‌ها را مردمی عقب‌مانده می‌دانستند که می‌توان آنها را نادیده گرفت. صهیونیست‌ها با شعار «سرزمین بدون ملت برای ملت بدون سرزمین» به دنبال القای این تصور بودند که فلسطین همانند مناطق وسیعی از قاره آمریکا که در قرن ۱۶ کشف شد، خالی از سکنه و بدون مدعی است و می‌توانند همانند ماجراجویان انگلیسی، اسپانیایی و پرتغالی آن را به آسانی تحت سیطره استعمارگونه خود در آورند. یکی از صهیونیست‌های آمریکایی به نام جون پیتز پارا از این فراتر می‌گذارد و ادعای کند فلسطینی‌ها مهاجرانی غیر قانونی هستند که در خلال سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۸ به دلیل رونق ناشی از کوچ جمعیت‌های یهودی به فلسطین، به آنجا رفته‌اند (سعید، ۱۳۸۲: ۱۳۶). آهارون کوهن، از رهبران صهیونیست، در این باره گفته است: «یکی از شگفتی‌های بزرگ برای کوچ‌نشینان آغازی یهودی [در فلسطین این بود که شماری در آن سکونت داشتند. آنان گمان می‌کردند این سرزمین تهی از سکنه است و اگر ساکنان بومی داشته باشد، چنان ابتدایی هستند که می‌توان آنها را نادیده گرفت. اما یهودیان هنگام ورود، با عرب‌هایی برخورد کردند که برخی از آنان شهرنشینی زیرک و باهوش بودند و بخش بزرگی از تجارت و بازرگانی کشور را در دست داشتند، ولی بیشتر ساکنان این سرزمین را کشاورزانی تشکیل می‌دادند که در سراسر کشور پراکنده بودند» (استاوریانوس، ۱۳۹۲: ۶۳۴).

احدها ام، از نویسندگان صهیونیست، پس از بازدید از فلسطین در سال ۱۸۹۱ در مجموعه مقالاتی بر این فرضیه خط بطلان کشید. وی





نوشت: «مادر خارج از فلسطین عادت کرده ایم باور کنیم که فلسطین یک سرزمین کاملاً متروک و لم یزرع است و هر کس بخواهد می تواند زمینی در آنجا تهیه و مطابق میل خود روی آن کار کند. در حقیقت این طور نیست. در تمام فلسطین به زحمت می توان مزرعه ای را پیدا کرد که توسط اعراب کشت شده باشد. فلسطین فقط از سنگلاخ و گوه های سنگی تشکیل شده است. مادر خارج از فلسطین عادت کرده ایم باور کنیم که همه اعراب وحشیان بیابانی و مردم احمدی هستند و قدرت درک هر آنچه را که در اطراف شان می گذرد ندارند. این یک اشتباه بزرگ است... روزی که حضور ملت ما [در فلسطین] گسترده شود، به طوری که به منافع بومیان صدمه بزند، آنها به راحتی حاضر نمی شوند جایی به ما بدهند» (پرن، ۱۳۸۳: ۱۳۲-۱۳۱).

به این ترتیب در کنار مهاجرت یهودی ها به فلسطین و سیاست یهودی سازی فلسطین، سیاست تملک زمین های فلسطینی نیز پیش گرفته شد و هربرت ساموئل در سپتامبر ۱۹۲۰ دستور تأسیس اداره کل ثبت املاک و اسناد را صادر کرد و یک صهیونیست را به عنوان مدیر کل آن منصوب کرد (پرن، ۱۳۸۳: ۲۵۳). در طول سال های اشغال فلسطین، صهیونیست ها از طریق تخریب ساختمان ها، تبدیل مزارع کشاورزی به زمین های خشک و لم یزرع، ایجاد شکاف و حائل بین مناطق فلسطینی یک پارچه، کار شکنی در پروژه های زیر ساختی مانند آب رسانی و ممانعت از اجرای آن، جلوگیری از توسعه شهر ها و روستاها و غیره، فلسطینی ها را مجبور به مهاجرت از خانه و کاشانه خود کرده اند (حنفی، ۱۳۸۵: ۹۴-۹۳). ادوارد سعید، اندیشمند فلسطینی، این واقیعت تلخ را چنین روایت می کند: «تا سال ۱۹۴۸ کمتر از ۷ درصد خاک فلسطین به یهودی ها تعلق داشت؛ فقط ۸ بخش از ۱۶ بخش فلسطین بیش از یک یا دو درصد مالکیت یهودی داشت و در آن ۸ بخش نیز هیچ گاه به بیش از ۳۵ تا ۳۹ درصد نرسید (در یافا و حیفا). در بقیه فلسطین، مالکیت یهودی چیزی حدود ۲۰ درصد بود. با این همه ۷۷ درصد فلسطین از آن اسرائیل شد... مدتی طول کشید تا همه زمین های داخل اسرائیل از مالکیت

عرب‌ها خارج شد. بیشتر زمین‌ها از طریق قانون مصادره اموال مالکین غایب که به دقت تدوین شده بود در نهایت خشونت اعمال شد، غصب شدند؛ ۴۰ درصد زمین‌های درنگ و بایک چرخش قلم مصادره شدند. در فاصله سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۵۰ قانون مصادره اموال مالکین غایب به تصویب رسید که به اسرائیلی‌ها اجازه می‌داد در مورد فروش زمین‌های عربی که مالکین شان غایب بودند، تصمیم بگیرند. طنز قضیه در این است که فلسطینی‌ها به هیچ وجه غایب نبودند. تعداد زیادی از آنها (نزدیک به ۷۸۰ هزار نفر) که به کشورهای همسایه رانده شده بودند اگر اجازه بازگشت داشتند، به خانه و کاشانه خود بازمی‌گشتند... در سرزمین‌های اشغالی بیش از ۵۰ درصد زمین‌ها غصب شده‌اند. هرگونه توسعه‌ای ممنوع است، پروانه ساختمانی به ندرت صادر می‌شود و دولت اسرائیل کنترل آب و برق را در دست دارد. در نتیجه، هر سال بیش از ۱۵ هزار فلسطینی ناچار به مهاجرت هستند. حرکت روزانه توده‌های کارگر فلسطینی به داخل خاک اسرائیل چیزی حدود ۹۰ هزار نفر باعث فقر بیشتر سرزمین‌های اشغالی شده است. آنچه در ساحل غربی رود اردن باقی ماند، صنایع بومی کوچک، خانوادگی، فاقد بازاری پررونق و وابسته به کمک مالی فلسطینی‌هایی است که در سرزمین‌های دیگر کار می‌کنند» (سعید، ۱۳۸۲: ۱۳۶-۱۳۴).

روند اشغال کرانه باختری

کرانه باختری ناحیه‌ای در کرانه غربی رود اردن در کشور فلسطین است. مساحت کرانه باختری ۵۶۵۵ کیلومتر مربع است و منطقه‌ای حاصل خیز به شماره ۱ رود. این منطقه ۳۳۰ کیلومتر با سرزمین‌های اشغالی و ۱۴۸ کیلومتر با اردن مرز مشترک دارد. جمعیت این منطقه حدود ۳ میلیون نفر تخمین زده شده است. طبق «آمار اطلاعات نامه جهان»، ۴۳ درصد از کرانه باختری را اراضی حاصل خیز کشاورزی تشکیل می‌دهد. مراتع دائمی، زمین‌های زراعی و جنگل‌ها همراه ۲۲۰ کیلومتر مربع از

بحرالمیت، از منابع غزه، کرانه باختری است و ظرفیت بالایی، برای این منطقه ایجاد کرده است (ایرنا، ۱۳۹۹).



نقشه ۱: حدود سرزمینی کرانه باختری، غزه و اراضی اشغالی ۱۹۴۸

از سال ۱۵۱۷ (۹۸۵) تا ۱۹۱۷ (۱۲۹۶) به مدت حدود چهار قرن، کرانه باختری در سلطه امپراتوری عثمانی قرار داشت؛ اما با فروپاشی و تجزیه امپراتوری عثمانی و یای صهیونیست‌ها به این منطقه باز شد. پس از شکست نروهای امپراتوری عثمانی از بریتانیا در جنگ جهانی اول، دولت بریتانیا در ۲۵ آوریل ۱۹۲۰ (۵ اردیبهشت ۱۳۹۹) با تشکیل یک سیستم حکومتی با عنوان قومیت بریتانیا بر فلسطین، کنترل کرانه باختری و سایر سرزمین‌های فلسطین را در اختیار گرفت. متعاقب اشغالگری صهیونیست‌ها در سال ۱۹۴۸ (۱۳۲۷) و تأسیس دولت توسط صهیونیست‌ها در میثاق، از سرزمین‌های تحت قومیت بریتانیا و پس از اولین جنگ کشورهای عربی و صهیونیست‌ها، در سال ۱۹۴۹ (۱۳۲۸)

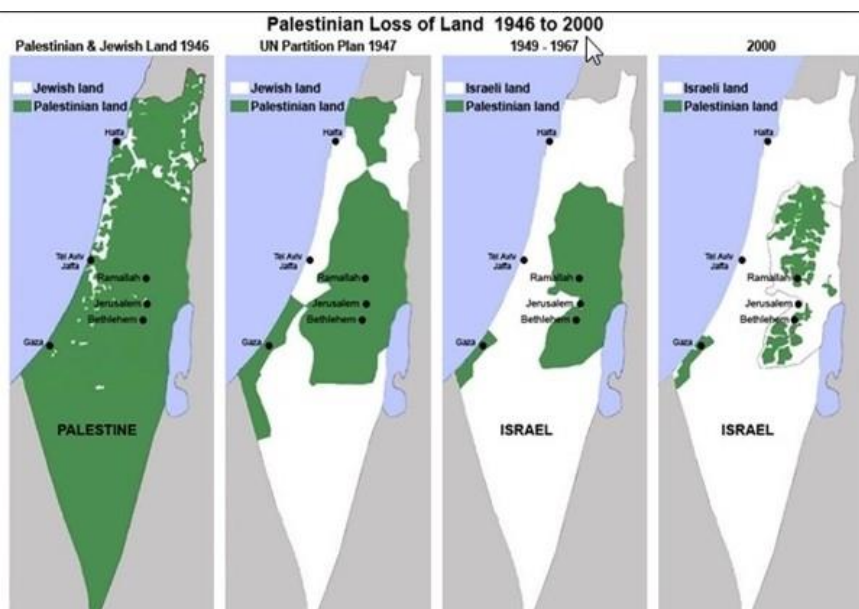


پیمان صلح موقت، میان صهیونیست‌ها از یک سو و مصر، اردن، سوریه و لبنان از سوی دیگر به امضای رسید که بنا بر مفاد آن، مرزهای دولت نامشروع صهیونیست، و فلسطین مشخص شد و کرانه باختری در کنترل اردن قرار گرفت. یسر، از جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷ (۱۳۴۵) کرانه باختری به اشغال صهیونیست‌ها درآمد. طبق توافق، اسلو که در سال ۱۹۹۳ (۱۳۷۱) به امضای یاسر عرفات، رئیس وقت سازمان آزادی بخش فلسطین، و اسحاق رابین، نخست وزیر وقت رژیم صهیونیست، رسید، کرانه باختری به سه منطقه A و B و C تقسیم شد. بر اساس این توافق، منطقه A که تنها ۱۱ درصد از خاک کرانه باختری را تشکیل می‌دهد در کنترل کامل تشکیلات خودگردان فلسطین قرار گرفت. منطقه B با ۲۸ درصد از مساحت کرانه باختری به صورت مشترک توسط رژیم صهیونیست و تشکیلات خودگردان اداره می‌شود، به نحوی که رژیم صهیونیست، مسئول تأمین امنیت و فلسطینی‌ها مسئول اداره امور شهری آن هستند. در نهایت منطقه C که ۶۱ درصد کرانه باختری را تشکیل می‌دهد به صورت کامل تحت مدیریت رژیم صهیونیستی قرار گرفت.

روند اشغال سرزمین فلسطین در طول ۷۵ ساله که از تشکیل رژیم صهیونیستی می‌گذرد هرگز متوقف نشده است. در حال حاضر، روند اشغال فلسطین از طریق شهرک سازی در اراضی فلسطینی‌ها عمدتاً در کرانه باختری دنبال می‌شود. توسعه شهرک سازی یکی از سیاست‌های اصلی و قطعی رژیم صهیونیستی برای تثبیت حاکمیت خود بر فلسطین و تضعیف دولت فلسطین است.

یسر، از اشغال کرانه باختری در سال ۱۹۶۷ (۱۳۴۵) توسط رژیم صهیونیست، صهیونیست‌ها سیاست شهرک سازی در کرانه باختری را دنبال کردند. روزنامه عبری زبان اسرائیل الیوم جمعیت شهرک نشینان صهیونیست در کرانه باختری در سال ۲۰۱۷ (۱۳۹۵) را ۴۳۶ هزار نفر اعلام کرد. بر اساس برآوردهای اخیر، جمعیت شهرک نشینان

صهیونیست در کرانه باختری ۶۰ هزار نفر تخمین زده شده است (تسنیم، ۱۳۹۹/۴/۱۱). شهرک‌های غیرقانونی عمدتاً در شمال و شمال شرقی کرانه باختری و اطراف شهر قدس، احداث شده‌اند. تعداد شهرک‌های صهیونیست نشین بیشتر، از ۱۳۰ شهرک اعلام شده است. کنترل این شهرک‌ها که به صورت غیرقانونی پس از جنگ ۱۹۶۷ احداث شدند، در دست نیروهای امنیتی رژیم صهیونیستی است (مهر، ۱۳۹۹).



نقشه ۲: روند اشغال فلسطین از سال ۱۹۴۸ تا کنون

حتی پس از توافق اسلو در سال ۱۹۹۳ بین صهیونیست‌ها و فلسطینی‌ها، سیاست ساخت شهرک‌های غیرقانونی ادامه یافت. افزایش جمعیت صهیونیست‌ها در کرانه باختری و سیاست‌های توسعه طلبانه رژیم صهیونیستی، باعث افزایش سطح تنش در کرانه باختری شده است. هر هفته گزارش‌هایی می‌آید، بر تخریب منازل فلسطینی‌ها به بهانه‌های واهی و تعرض شهرک نشین‌ها به اراضی فلسطینی‌ها یا آتش زدن زمین‌های زراعی فلسطینی‌ها توسط صهیونیست‌ها گزارش می‌شود که در بیشتر موارد با حضور نظامیان صهیونیست در صحنه درگیری، غائله به نفع

شهرک نشین‌ها پایان پیدامی‌کند (ایرنا، ۱۳۹۹).

مرور طرح‌های الحاق کرانه باختری به اراضی اشغالی ۱۹۴۸ الحاق کرانه باختری یا بخش‌هایی از آن به اراضی اشغالی ۱۹۶۷ از زمان تصرف و اشغال مناطقی از کرانه باختری در طول جنگ شش‌روزه در سال ۱۹۶۷، توسط برخی صهیونیست‌ها پیشنهاد شد و از آن زمان تاکنون این هدف در قالب طرح‌های مختلفی دنبال می‌شود. قدس شرقی، اولین قسمت کرانه باختری بود که یسر، از اشغال توسط اسرائیل در سال ۱۹۶۷ به موجب قانون «اورشلیم ۱۹۸۰» به اراضی اشغالی الحاق شد (OCHA, ۲۰۲۰).

از سال ۱۹۶۷ تاکنون، صهیونیست‌ها طرح‌های مختلفی را برای الحاق کرانه باختری به اراضی ۱۹۶۷ ارائه کرده‌اند. طرح آلون، شارون، ستارگان هفت‌گانه و نتانیا هو مهم‌ترین این طرح‌ها هستند. علاوه بر این، طرح‌های دیگری مانند فوخرن، دروبلس، خطوط قرمز، راه سوم، یسرائیل گالیلی، موشه دایان و مسر صلح مطرح شده‌اند. در جدول زیر، محتوای کلی مهم‌ترین طرح‌های الحاق ارائه شده است.

جدول ۱: طرح‌های الحاق کرانه باختری به اراضی اشغالی ۱۹۴۸ (تسنم،

۱۳۹۹/۴/۱۱)

نام طرح	ارائه‌دهنده	محتوا
آلون	ایگال آلون (وزیر کار رژیم صهیونیستی در دوره جنگ ۱۹۶۷)	- قرار دادن رود اردن به عنوان مرزهای شرقی دولت عبری - «بحرالمیت» با خطی فرضی از وسط به دو قسمت تقسیم و یک بخش آن به اردن و بخش دیگر به رژیم صهیونیستی واگذار می‌شود. - بخش‌هایی از دره رود اردن و مناطقی از «بحرالمیت» که عرض آن از چند کیلومتر تا ۱۵ کیلومتر متفاوت است، به سرزمین‌های ۱۹۴۸ الحاق شوند. - مجموعه‌ای از شهرک‌های صهیونیست‌نشین که کشاورزی محور، نظامی و ویژه سکونت هستند در کرانه باختری به ویژه در قدس شرقی ساخته شوند. <sup>۱</sup>

۱. با طرح آلون بین سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۷، ۳۴ شهرک صهیونیست‌نشین در زمین‌های فلسطینیان در کرانه باختری و نوار غزه به وجود آمدند که ۱۲ شهرک از این تعداد در قدس بنا شدند.

نام طرح	ارائه‌دهنده	محتوا
شارون	آریل شارون (نخست‌وزیر اسبق رژیم صهیونیستی)	- یک بخش شهرک‌نشین در کرانه باختری ایجاد شود، به‌نحوی که شمال کرانه باختری از جنوب آن جدا شود. - شهرک‌سازی در بخش‌های غربی کرانه باختری متمرکز شود تا این شهرک‌ها از مناطق ساحلی سرزمین‌های ۱۹۴۸ حمایت کنند. - جمعیت شهرک‌نشینان در کرانه باختری به میزان ۱۰۰ هزار نفر، در جولان به میزان ۲۰ هزار نفر و در غزه به میزان ۱۰ هزار نفر افزایش یابد.
ستارگان هفت‌گانه	آریل شارون (نخست‌وزیر اسبق رژیم صهیونیستی)	شهرک‌های صهیونیست‌نشین در مرزهای ترسیم‌شده سال ۱۹۶۷ توسعه یابد.
نتانیاهاو (آلون+)	بنیامین نتانیاهاو (نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی)	این طرح را بنیامین نتانیاهاو در سال ۱۹۹۷، پس از ورود به عرصه سیاسی ارائه کرد. از آنجا که مبنای اولیه این طرح، همان طرح ایگال آلون است، برخی آن را «آلون+» نامیده‌اند زیرا ضمن حفظ چارچوب طرح آلون، موارد جدیدی به آن افزوده شده است. این طرح در مقطع کنونی به‌عنوان بخشی از طرح «معامله قرن» ترامپ ارائه شده است. در این طرح، نتانیاهاو به‌دنبال الحاق منطقه دره اردن و شهرک‌های کرانه باختری به سرزمین‌های ۱۹۴۸ است.

در حالی که بنیامین نتانیاهاو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، در سال ۲۰۰۹ راه‌حل دو کشور و دولت را تأیید کرده بود، اما قبل از انتخابات آوریل ۲۰۱۹، از قصد خود برای الحاق یک طرفه شهرک‌های صهیونیست‌نشین کرانه باختری خبر داد. در ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۹/۲۵ شهریور ۱۳۹۸، نتانیاهاو در مصاحبه‌ای گفت: «من قصد دارم حاکمیت خود را بر تمام شهرک‌ها و بلوک‌های شهری، از جمله مکان‌هایی که اهمیت امنیتی دارند یا برای مراات اسرائیل مهم هستند از جمله شهرک‌سازی در هر و ن اعمال کنم» (latimes, ۲۰۱۹). با توجه به اینکه طرح نتانیاهاو جدیدترین طرح الحاق است و وی نیز در رأس قدرت قرار دارد، طرحش از شانس بیشتری برای اجرا برخوردار است. در مقطع کنونی برای اجرای طرح نتانیاهاو سه سناریو طراحی شده



است:

جدول ۲: سناریوهای طرح الحاق نتانیا هو (تسنم، ۱۳۹۹/۴/۱۱)

نام سناریو	محتوا
الحاق کامل	<p>رژیم صهیونیستی همه ۱۳۰ شهرک صهیونیست‌نشین در کرانه باختری را که بیش از ۴۶۰ هزار شهرک‌نشین را در مساحتی بالغ بر ۱۶۱۳ کیلومتر مربع از زمین‌های کرانه باختری در خود جای داده است به سرزمین‌های ۱۹۴۸ الحاق می‌کند. این مساحت ۳۰ درصد کل کرانه باختری را تشکیل می‌دهد. مساحت بخش دره رود اردن شامل ۸۳۴ کیلومتر مربع یعنی ۱۵ درصد کل کرانه باختری است. در این سناریو ۵۲ شهرک صهیونیست‌نشین داخل دیوار حائل در کرانه باختری با جمعیتی بیش از ۳۵۰ هزار صهیونیست همراه ۷۸ شهرک خارج از دیوار حائل با ۱۰۰ هزار نفر جمعیت، به سرزمین‌های ۱۹۴۸ الحاق خواهد شد.</p>
الحاق شهرک‌های داخل دیوار حائل	<p>همه شهرک‌های داخل دیوار حائل (۵۲ شهرک) به سرزمین‌های ۱۹۴۸ الحاق می‌شوند. در این سناریو بیشتر شهرک‌نشینان صهیونیست (بالغ بر ۳۵۰ هزار نفر معادل ۷۷ درصد جمعیت شهرک‌نشینان) به جمعیت سرزمین‌های ۱۹۴۸ اضافه می‌شوند. به‌لحاظ سرزمینی نیز ۳۴۵ کیلومتر مربع از زمین‌های کرانه باختری (۷ درصد کرانه باختری) به اراضی اشغالی ۱۹۴۸ ضمیمه می‌شود.</p>
الحاق محدود	<p>در این سناریو، رژیم صهیونیستی یک شهرک یا یک مجتمع شهرکی بزرگ (شهرک «غوش عتصیون» در جنوب قدس یا شهرک «معالیه ادومیم» در شرق قدس) را به اراضی اشغالی ۱۹۴۸ ملحق می‌کند. این سناریو تعداد کمی از شهرک‌های کوچک نزدیک «خط سبز» را نیز شامل می‌شود که سال ۱۹۶۷ در پروژه الحاق قرار گرفته بودند. مجتمع شهرکی «معالیه ادومیم» با مساحت ۴ کیلومتر مربع (۰/۰۷ درصد مساحت کرانه باختری) بیش از ۴۱ هزار شهرک‌نشین را در خود جای داده است؛ در حالی که مجتمع شهرکی «غوش عتصیون» بیش از ۹۶ هزار صهیونیست را در خود دارد. مساحت این مجتمع ۵۶/۹ کیلومتر مربع، یعنی ۱ درصد مساحت کرانه باختری است. در این سناریو، تعداد بسیار کمتری شهرک‌نشین صهیونیست در طرح الحاق قرار می‌گیرند. به نظر می‌رسد سناریوی سوم، یک اقدام نمادین است که صرفاً برای اینکه گفته شود طرح الحاق اجرایی شده، طراحی شده است و طراحی آن برای زمانی است که صهیونیست‌ها نسبت به پیامدهای پس از الحاق احساس خطر بیشتری کنند.</p>

تأثیرات الحاق کرانه باختری  
۱. سطح داخلی

الف) افزایش اختلافات داخلی: گاردین در گزارشی نوشت: اجرای طرح الحاق کرانه باختری، صرف نظر از الحاق دره رود اردن، در سایر مناطق باقی مانده کرانه باختری تغییرات شکلی گسترده‌ای ایجاد نخواهد کرد، چون شهرک‌های صهیونیستی از مدت‌ها پیش در کرانه باختری احداث شده و در کنترل نیروهای صهیونیستی قرار داشته‌اند. در صورت اجرای کامل این طرح، تابلوها در مناطقی تغییر خواهد کرد و دیوار حائل حد فاصل میان کرانه باختری و رژیم صهیونیستی برداشته خواهد شد. همچنین بعد از الحاق، مقامات صهیونیست امکان بازدید را برای گردشگران خارجی در شهرک‌های اشغالی فراهم خواهند کرد (مهر، ۱۳۹۹).

امادر سطح سیاسی، اجرای این طرح مخالفت‌های جدی را در داخل رژیم صهیونیستی، در پی داشته است. بین جریان‌های داخل رژیم صهیونیستی، مخالفان سیاسی نتانیاها و در زمره مخالفان اجرای طرح الحاق کرانه باختری قرار گرفته‌اند. چپ‌گرایان سنتی و حزب آلی سفید به رهبری بنی گانتز از مهم‌ترین مخالفان این طرح هستند.

چپ‌گرایان در رژیم صهیونیستی، دارای بایگ‌های اجتماعی، کارگری و بیشتر تحت تأثیر جریان‌های چپ و سوسیالیست جهانی هستند. سردمدار این جریان در رژیم صهیونیستی، حزب «کار» است که در حال حاضر در عرصه سیاست داخلی، رژیم صهیونیستی، در پایین‌ترین حد محبوبیت خود طی ۷۲ سال اشغال فلسطین قرار گرفته است. چپ‌گرایان سنتی، از ابتدا سردمدار مذاکرات سازش بوده‌اند. آنها به طرح دو دولت اعتقاد دارند و تا زمانی که رهبران چپ‌گرا و نزدیک به این جریان در رأس قدرت قرار داشتند، طرح دو دولت در دستور کار بود و این طیف به هیچ وجه قائل به الحاق کرانه باختری نیستند. حزب کار با اصل الحاق بدون آنکه دولت فلسطین تشکیل شود، مخالف است و یکی از مخالفان جدی حزب لیکود و نتانیاها و در اجرای طرح الحاق کرانه باختری به اراضی ۱۹۴۸ محسوب می‌شود. با این حال، حزب کار به دلیل عدم توفیق در



رقابت‌های انتخاباتی قدرت زیادی ندارد.

برخی از سیاستمداران صهیونیست مانند بنی گانتز، برخلاف چپ‌گرایان سنتی، با الحاق کرانه باختری مخالف نیستند و آن را به‌عنوان آرمان صهیونیسم پذیرفته‌اند اما با روش نتانیا هو برای الحاق مخالف هستند. اختلاف دیدگاه بنی گانتز با نتانیا هو در طرح موسوم به الحاق در مورد زمان و نحوه اجرای این طرح است. گانتز معتقد است این طرح باید به‌مرور زمان و طی فرآیندی طولانی مدت اجرایی شود. علاوه بر این، بنی گانتز معتقد است اجرای طرح الحاق باید از غرب به شرق صورت گیرد؛ یعنی ابتدا الحاق از خط سبز و مجتمع‌های شهرک‌های بزرگ اطراف قدس، آغاز و به‌مرور زمان دره رود اردن را شامل شود. ضمناً حزب‌آلی سفید در خصوص نحوه تملک زمین‌های کشاورزان فلسطینی، در دره اردن ملاحظاتی دارد (تسنم، ۱۳۹۹/۴/۳).

مخالف فکری، کارشناسان و اندیشک‌های صهیونیستی نیز نظر مساعدی نسبت به این طرح ندارند. برخی از کارشناسان معتقدند نتانیا هو از طرح الحاق به‌عنوان ابزاری برای یروزی در انتخابات و سرپوش گذاشتن بر مفاسدش استفاده کرده است. روزنامه‌ها آرتص در گزارشی نوشت طرح مدنظر نتانیا هو بیشتر به‌عنوان وسیله‌ای برای اِختراف توجهات از بیرون‌دهی فساد بنیامین نتانیا هو طراحی شده است. این روزنامه تصریح کرد: «این طرح همواره وسیله‌ای عالی برای اِختراف توجه‌رای دهندگان اسرائیلی، از فساد نخست‌وزیر و روش‌های خودکامانه وی بوده است و اکنون نیز وسیله‌ای برای منحرف کردن افکار عمومی از شکست وی در طراحی مناسب راه‌برد خروج از بحران و بیروس، کروناسست که باعث موج دوم این همه‌گیری شد و راه شفافی برای خروج از بحران اقتصادی نیز دیده نمی‌شود... نتانیا هو قطعاً طرح الحاق را برنامهریزی نکرده است. همه نقشه‌ای وجود ندارد. همه جدول زمانی وجود ندارد. همه پیش‌نویس برای اسناد قانونی که به‌کابینه یا کنگست ارائه شود، وجود ندارد. تمام آنها، این تصور را تقویت می‌کند که الحاق حداقل برای مدت ۱۷ ماه قبل، چیزی بیش از یک وعده انتخاباتی مبهم برای رای آوردن پایگاه راست‌گرایان نبود.»



اندیشکده مطالعات امنیت داخلی اسرائیل با طراحی یک مدل، بیش از پیش، کرده که اجرای طرح اشغال کرانه باختری، دارای پیامدهای امنیتی است و بر روابط رژیم صهیونیستی با سایر کشورها تأثیر منفی می‌گذارد. در گزارش این اندیشکده تصریح شده است طرح نتانیا هو برای اشغال بخش‌هایی از کرانه باختری که قرار است در چارچوب طرح آمریکایی «معامله قرن» انجام شود، مشکل فلسطینی‌ها را به مرکز توجهات بین‌المللی برمی‌گرداند و باعث وقوع ناآرامی‌های گسترده از سوی فلسطینی‌ها و تعلیق توافق صلح اسرائیل با اردن می‌شود.

شاؤول اریئلی، ژنرال سابق صهیونیستی، نیز در گفت‌وگو با روزنامه معاریو گفت: «اسرائیل نمی‌تواند عواقب اجرای این طرح را تحمل کند. تل‌آووا ماده رو به رو شدن با پیامدهای الحاق چیه در سطح امنیتی، چیه اقتصادی و چیه حقوقی نیست... از یوریس، جانسون، وزیر خارجه انگلیس، و جامعه جهانی شنیدیم که از الحاق استقبال نمی‌کنند، بلکه تحریم‌هایی را اعمال خواهند کرد و همین مسئله باعث می‌شود اسرائیل به سرزمین‌های خود را تبدیل شود. همان‌طور که در آفریقای جنوبی این‌گونه است. برای همین باید طرح الحاق را لغو کنیم زیرا اسرائیل را فقیر و آشفته می‌کند؛ گوی همه جزمی‌های جهان در اسرائیل هستند... هر اسرائیلی که رویکرد مثبتی در قبال الحاق دارد تنها به آثار آن در کوتاه مدت اشاره می‌کند. مجریه قدس شرقی به ما می‌گوید که اسرائیل با طرح الحاق کرانه باختری به کجاکشیدن خواهد شد» (کلهر، ۱۳۹۹).

(ب) نامن شدن محیط امنیتی داخلی: ارتش و دستگاه‌های امنیتی رژیم صهیونیستی، با در نظر گرفتن ملاحظات امنیتی، با طرح الحاق کرانه باختری به اراضی اشغالی ۱۹۴۸ مخالف هستند. مهم‌ترین مخالف نتانیا هو در اجرای طرح الحاق کرانه باختری و دره اردن، دستگاه امنیتی رژیم صهیونیستی است. دستگاه امنیتی بر اساس برآوردی که از اوضاع امنیتی در کرانه باختری و نوار غزه دارد، الحاق یکباره کرانه باختری و دره اردن را نادرست می‌داند و با طرح نتانیا هو مخالف است. بر اساس گزارش نهاد‌های امنیتی و نظامی صهیونیست، در صورت اجرای یکباره طرح الحاق،

انتفاضة سوم آغاز خواهد شد و نوار غزه يك جنگ تمام عيار عليه رژیم صهیونیستی، را آغاز خواهد کرد (تسنم، ۱۳۹۹/۴/۳).

در مذاکرات میان مسئولین شاباک و ارتش، و برخی دیگر از نهادها این نگرانی ابراز شده است که اجرای يك جانبه طرح الحاق کرانه باختری موجب بروز موجی از خشونت‌های شود که احتمال آغاز آن در غزه بیشتر است. موج اعتراض‌های تواند از غزه فراتر رود و به کرانه باختری کشیده شود و انتفاضة سوم را رقم بزند. شاباک بر آورد کرده است که طرح موسوم به الحاق کرانه باختری به بروز درگیری‌هایی در کرانه باختری خواهد انجامید. بر اساس، بر آورد شاباک و ارتش، امکان کنترل و مدیریت و اکنشر، گروه‌های مقاومت مانند حماس، و جهاد اسلامی وجود ندارد (تسنم، ۱۳۹۹/۴/۲).

گروه‌های مقاومت نیز به شدت با این طرح مخالفت کرده و به رژیم صهیونیستی، درباره تبعات آن هشدار داده‌اند. منابع وابسته به گروه‌های مقاومت اعلام کردند شاخه‌های نظامی این گروه‌ها اقدامات میدانی لازم را اتخاذ کرده‌اند تا در صورت اجرایی شدن طرح رژیم صهیونیستی، برای اشغال کرانه باختری، به آن پاسخ دهند. ابو عیید، سخنگوی شاخه نظامی حماس، هشدار داده است مقاومت تصمیم برای الحاق را اعلام جنگ علیه خود می‌داند و کاری خواهد کرد که دهمین صهیونیستی، به خاطر این تصمیم انگشت پشیمانی به دندان بگذرد. تشکیلات خودگردان فلسطین نیز هشدار داده است در صورتی که رژیم صهیونیستی اقدام به اشغال بخش‌هایی از کرانه باختری کند، این تشکیلات خود را منحل خواهد کرد و با خلع سلاح خود، همه تسلیحات و مهمات را به ارتش اسرائیل تحویل خواهد داد و مسئولیت امنیت کرانه باختری را به این ارتش، واگذار می‌کند. این تشکیلات همه توافق‌نامه‌های امنیت، با اسرائیل و آمریکا را نیز لغو کرده است.

اوجمه، سخنگوی گردان‌های قدس، شاخه نظامی جنبش جهاد اسلامی نیز به مناسبت ششمین سالروز نبرد «النیان المرصوص» (بجاوز اسرائیل به نوار غزه در سال ۲۰۱۴) تأکید کرد که این گردان‌ها موشک‌هایی در اختیار دارند که همه مراکز و تأسیسات حیاتی در سراسر





فلسطین اشغالی در ترس، آنهاست. وی گفت گردان‌های قدس، امروز بیشتر به تجهیزات و حضور در میدان رادارند. ابو حمزه با اشاره به طرح رژیم صهیونیستی، برای اشغال بخش‌هایی از کرانه باختری تأکید کرد: «گردان‌های قدس، با دقت رخدادها را دنبال می‌کنند و با تمام قدرت برای حمایت از سرزمین و ناموس خود در میدان حضور دارند» (کلهر، ۱۳۹۹).

۲. سطح بین‌المللی: انزوای رژیم صهیونیستی

جز آمریکا، همه کشورهای جهان با طرح الحاق کرانه باختری مخالفت کرده‌اند. شدت مخالفت کشورهای مختلف بسیار متفاوت است. میان مخالفت‌های موجود مخالفت اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن جدی‌تر است. تفاوت مخالفت اتحادیه اروپا یا مخالفت سایر کشورها و بازیگران بین‌المللی، این است که در مخالفت اتحادیه اروپا نوعی تهدید وجود دارد، در حالی که در مخالفت سایر کشورهای جهان از جمله روسیه، چین، هند و حتی اغلب کشورهای عربی و اسلامی تهدید وجود ندارد و مخالفت‌ها عمدتاً محدود به تقبیح و محکومیت است (برهانی، ۱۳۹۹).

انگلیس، آلمان و فرانسه از جمله هفت کشور اروپایی، عضو شورای امنیت سازمان ملل بودند که با انتشار بیانیه‌ای مشترک، اشغال کرانه باختری را «نقض آشکار قوانین بین‌المللی» خواندند که امکان تشکیل کشور فلسطین و امنیت منطقه را تهدید می‌کند. در این بیانیه آمده است: «الحاق بر رابطه نزدیک ما با اسرائیل اثر منفی دارد و ما آن را به رسمیت نخواهیم شناخت». بیش از آن هم بیش از ۱۰۰ نماینده پارلمانی در اروپا از جمله چهره‌های ارشد محافظه‌کار در انگلیس، درباره این اقدام هشدار دادند و از رهبران اروپایی خواستند قاطعانه عمل کنند. حزب کارگران انگلیس، و چند مقام سابق، این کشور نیز خواستار ممنوع شدن ورود کالاهای تولید شده در شهرک‌های غیرقانونی واقع در کرانه باختری در واکنش به این طرح شدند. حدود ۵۰ کارشناس، سازمان ملل هم در بیانیه‌ای هشدار دادند به دست آوردن قلمرو و بازور نقض قوانین بین‌المللی است. این تصمیم حتی، نارضاقت، یهودیان انگلیس، را هم برانگیخته است. بیش از ۴۰ نفر از سرشناس‌ترین این افراد درباره تهدید موجودیتی و پیامدهای

و خم چنين اقدامی برای مردم فلسطين، هشدار دادند. ليزاناندي، وزير امور خارجه دولت در سايه انگليس، نيز رژيم صهيونستى در صورت اقدام به اشغال کرانه باخترى روداردن را خواستار شد (کلهر، ۱۳۹۹).

يازده نفر از وزيران خارجه کشورهای اروپايی در ۲۴ تا ۱۳۹۹ در نامه‌ای از جوزپ بورل، مسئول سياست خارجي، الحاديه اروپا، خواستند تا گزینه‌های احتمالی برای ياسیبه الحاق بخش‌هایی از کرانه باخترى توسط رژيم صهيونستى را آماده کند؛ زیرا از دیدگاه آنان، انجام اين کار ضرورى است و پنجره زمانی برای انجام اقدامات بازدارنده عليه طرح الحاق کرانه باخترى در حال بسته شدن است. اين وزيران خطاب به بورل خاطر نشان کردند که الحاق بخش‌هایی از کرانه باخترى به سرزمین‌های اشغالی نقض قوانین بین‌المللی است (برهانی، ۱۳۹۹).

حق، برخی کشورهای اروپايی تهديد کرده اند در صورت اجرای اين تصميم، اساس روابط خود با تل آوورا تغير خواهند داد. جوزف بورل، مسئول سياست خارجي، الحاديه اروپا، ضمن اعلام مخالفت با الحاق کرانه باخترى به ساير مناطق اشغالی، از رژيم صهيونستى خواسته است از اقدامات يکجانبه پرهيز کند. بورل در سخنانی در پارلمان اروپا اعلام کرد که مخالفت اين الحاديه با هرگونه اقدام يک جانبه را با وزيرای خارجه و جنگ رژيم صهيونستى در میان گذاشته است. به گفته بورل، تعداد زيادی از کشورهای اين الحاديه حامی راهکار دو ديولت هستند، اگرچه در اين ارتباط اتفاق نظر کلي میان همه اعضای الحاديه اروپا وجود ندارد. مسئول سياست خارجي الحاديه اروپا تأکيد کرد که الحاق کرانه باخترى بر ثبات منطقه‌ای و روابط با تل آوورا و کشورهای عربی و همجنين امنيت تأثیرات منفي خواهد گذاشت. جوزف بورل همجنين با غر قابل مذاکره دانستن الحاق کرانه باخترى، هشدار داد اين موضوع پیامدهای درخور توجه و اجتناب ناپذیری برای روابط نزدیک ما با تل آوورا خواهد داشت. وی تأکيد کرد الحاديه اروپا برای ممانعت از اجرای اين طرح بار رژيم صهيونستى در حال مذاکره است و از همه ظرفیت‌های ديپلماتیک خود استفاده خواهد کرد (بورل،





۱۳۹۹).

۳. محور مقاومت

اسماعیل هینه، رئیس دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین، (حماس)، بگم ای طرح الحاق، توسط صهیونست‌ها، در استای تحفه، سه هدف دانسته است: «هدف اول، تأکید بر کشور صهیونست، طبعاً الحاق در قانون ناسو نالسم آمدن است. اب. قانون، که کنست آن، صادر کرد، به معنی، اخراج ملت فلسطین، از خاک خود است. اکنون، خود آنها، تلاش می‌کنند که، آنه باخته می‌شود، از رژیم صهیونست، باشد». اسماعیل هینه در، ارتباط با هدف دوم گفت: «الحاق، ۳۰ درصد از کرانه باخته می‌و احای طرح «قدس، بزرگ» به طوری که قدس، شرف و غم، با بخت یک بار، حاصل باشد». هینه در ادامه گفت: «هدف سوم جلوگیری از ایجاد هرگونه کشور یا موجودیت فلسطینی است» (کلهر، ۱۳۹۹).

صهیونست‌ها با حمایت آمریکا به دنبال نابودی زیرساخت‌های دولت ملی فلسطین هستند تا از شکل‌گیری یک دولت فلسطینی حداکثری (دارای حاکمیت در تمام فلسطین) یا حداقلی (دارای حاکمیت بر قدس شرقی، کرانه باختری و نوار غزه) در آینده جلوگیری کنند. اشغال زمین، اخراج فلسطینی‌ها از سکونتگاه‌هایشان، مخالفت با تشکیل دولت فلسطینی و امحای منابع هویتی فلسطینی‌ها راهبردهایی است که رژیم صهیونستی برای جلوگیری از تشکیل یک واحد سیاسی فلسطینی (حداکثری یا حداقلی) به کار گرفته است. اشغال کرانه باختری و الحاق آن به اراضی سال ۱۹۴۸ اقدامی است که جمعیت، سرزمین، حکومت، حاکمیت و آینده دولت را که عناصر و زیرساخت‌های اصلی دولت فلسطینی هستند، تخریب می‌کند.

به لحاظ راهبردی، کرانه باختری اهمیت بسیار زیادی دارد؛ از این رو صهیونست‌ها با اشغال کرانه باختری به دنبال از بین بردن مزیت‌های

۱. قانون دولت یهود در سال ۲۰۱۸ توسط کنست به تصویب رسید. این قانون شامل ۱۱ بند است. بند سوم آن تصریح می‌کند: «شهر قدس به صورت کامل تنها پایتخت اسرائیل است».

راهبردی فلسطینی هاستند. برخی از مزیت‌های راهبردی کرانه باختری عبارت‌اند از:

۱. اشراف و دسترسی کرانه باختری به سرزمین‌های اشغالی ۱۹۴۸: کرانه باختری از سه جهت شمالی، غربی و جنوبی به مناطق اشغالی ۱۹۴۸ مشرف است.
۲. ضعف رژیم صهیونیستی از حیث جغرافیایی و سرزمینی: اگر کرانه باختری و نوار غزه را از اراضی ۱۹۴۸ جدا کنیم، رژیم اسرائیل از بالا باریکه‌ای است که از سمت ساحلی و تل‌آویو به شدت باریک می‌شود و رفته‌رفته از پایین، کمی عمق راهبردی پیدا می‌کند. این مسئله از حیث جغرافیایی برای یک کشور یک ضعف اصلی محسوب می‌شود. رژیم صهیونیستی در حال حاضر در بخش‌های زیادی از اراضی اشغالی عمق راهبردی ندارد؛ زیرا از مرز کرانه باختری تا دریای مدیترانه در برخی نقاط، عرض سرزمینی اراضی اشغالی حدود ۱۳ کیلومتر است (Byman, ۲۰۱۱: ۳۴۹). نکته مهم اینکه تل‌آویو، پایتخت اقتصادی این رژیم، در همین نقطه که عمق راهبردی آنها خیلی کم است، قرار گرفته است.
۳. وسعت جغرافیایی کرانه باختری: کرانه باختری ۵۶۵۵ کیلومتر مربع مساحت دارد، در حالی که وسعت نوار غزه ۳۶۵ کیلومتر مربع است. بنابراین وسعت کرانه باختری تقریباً ۱۵ برابر وسعت نوار غزه است.
۴. جمعیت کرانه باختری: کرانه باختری با حدود ۳ میلیون نفر شهروند فلسطینی، از ظرفیت جمعیتی درخور توجهی برخوردار است.
۵. ضربه‌پذیری رژیم صهیونیستی در کرانه باختری: وجود تعداد زیادی شهرک صهیونیست‌نشین در کرانه باختری، صهیونیست‌ها را از نظر امنیتی آسیب‌پذیر کرده است.
۶. مرز طولانی مشترک کرانه باختری با اردن: این مرز مشترک امکان تماس کرانه باختری با محیط خارج را فراهم کرده است. از آنجا که حدود نیمی از جمعیت اردن، فلسطینی هستند، جمعیت فلسطینی‌های اردن عقبه‌ای راهبردی برای فلسطینی‌های ساکن کرانه باختری محسوب می‌شوند و این مرز مشترک، امکان پشتیبانی فلسطینی‌های اردن از فلسطینی‌های ساکن کرانه باختری را فراهم می‌کند.
۷. وجود قدس در کرانه باختری: فلسطینی‌های کرانه باختری به قدس شرقی



دست‌رسی دارند و قدس از نظر هویتی برای فلسطینی‌ها و مسلمانان جهان از اهمیت بسیاری برخوردار است. سلب این منبع هویتی از فلسطینی‌ها می‌تواند آنها را نسبت به آرمان تشکیل دولت فلسطینی دلسرد کند (رضوی، ۱۳۹۴).

اهمیت کرانه باختری به حدی است که مقام معظم رهبری در ۱۳۹۳/۵/۱ در هفدهمین روز جنگ غزه در دیدار با دانشجویان اعلام کردند: «ما معتقدیم کرانه باختری نیز باید مانند غزه مسلح شود و کسانی که علاقه مند به سرنوشت فلسطین هستند در این زمینه فعالیت کنند» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳). طرح تسلیح کرانه باختری به دلیل موقعیت و ظرفیت‌های ویژه کرانه باختری، راهبردی اساسی برای حل مسئله فلسطین است. از آنجا که از منظر جمهوری اسلامی ایران، حل مسئله فلسطین جز از طریق مقاومت مسلحانه ممکن نیست و از آنجا که تسلیح غزه به تنهایی ظرفیت حل و فصل نهایی مسئله فلسطین را ندارد، تسلیح کرانه باختری یک الزام راهبردی برای محقق آرمان فلسطین است. الحاق کرانه باختری به اراضی اشغالی می‌تواند این فرصت را از گروه‌های مقاومت سلب کند.

در صورت الحاق کرانه باختری به سرزمین‌های اشغالی و تثبیت حاکمیت صهیونیست‌ها بر کرانه باختری، محور مقاومت در ابعاد گفتمانی، هویتی، روشی، انگیزشی، سیاسی و راهبردی با چالش روبه‌رو خواهد شد:

گفتمانی: گفتمان و روایت آزادی قدس شریف و اعاده حاکمیت فلسطینی‌ها بر سرزمین آبا و اجدادی‌شان به چالش کشیده خواهد شد.

هویتی: در صورت الحاق کرانه باختری به اراضی اشغالی و سیطره صهیونیست‌ها بر اماکن مقدس مسلمان در شهر قدس و سایر مناطق کرانه باختری و همچنین اجرای قانون دولت یهود، هویت فلسطینی‌های ساکن کرانه باختری در معرض تهدید قرار خواهد گرفت و نسل‌های آینده فلسطین با بحران هویت مواجه خواهند شد.

روشی: برای محقق آرمان آزادی قدس شریف یا هدف حداقلی تشکیل



دولت فلسطینی در کرانه باختری و نوار غزه، روش مقاومت مسلحانه و مذاکره، به تنهایی یا به صورت توأمان بایکدیگر ناکارآمد جلوه خواهد کرد.

نظامی: مهم ترین مناطق تحت حاکمیت رژیم صهیونیستی همچون قدس غربی، تل آویو، نتانیا، هر تزیلیا، فرودگاه بن گوریون و تعدادی از پایگاه های اتمی این رژیم در اطراف کرانه باختری قرار دارند. فاصله شهر فلسطینی نشین قلقیلیه تا دریای مدیترانه حدود ۱۵ کیلومتر است. فاصله قلقیلیه تا تل آویو و نتانیا هم همین حدود است. بنابراین اشغال کرانه باختری توسط صهیونیست ها، مزیت های نظامی فلسطینی ها را از بین می برد.

انگیزشی: امید مسلمانان به صورت عام و فلسطینی ها به صورت خاص برای تحقق آرمان فلسطین به یاس توأم با حرمان تبدیل خواهد شد. سیاسی: زمینه تشکیل دولت فلسطینی در کرانه باختری و نوار غزه و همچنین بازگشت آوارگان فلسطینی به وطن خود از بین خواهد رفت. همچنین اردنی ها مسئولیت و امتیاز تولید اماکن مقدسه واقع در کرانه باختری را از دست خواهند داد.

راهبردی: با تثبیت تدریجی حاکمیت نامشروع صهیونیست ها بر کل اراضی فلسطینی، موازنه قدرت در منطقه تغییر خواهد کرد و صهیونیست ها با اطمینان خاطر از محیط امنیت داخلی خود، سیاست های توسعه طلبانه شان را برای تحقق مرزهای توراتی ادعاشده، با جدیت بیشتری دنبال خواهند کرد. در چنین وضعیتی، زمینه الحاق دائمی بلندی های جولان سوریه به اراضی اشغالی فراهم خواهد شد. علاوه بر این، ابزارها و ظرفیت های حزب الله لبنان برای بازدارندگی و مقابله مؤثر با تجاوز احتمالی رژیم صهیونیست، کاهش خواهد یافت.

الته اقدام صهیونیست ها به الحاق کرانه باختری می تواند واکنش گسترده فلسطینی ها، نهادهای مقاومت فلسطین، داد و ستد داشته باشد و به وقوع انتفاضه سوم منتهی شود. در این صورت در روند سیاسی، امنیتی که به ضرر آرمان فلسطین در جریان است، اختلال ایجاد خواهد

شد. عادی سازی و روابط کشور های عربی، بارز ثمن صهیونست، اعلام قدس، به عنوان بایخت ر ژیم صهیونست، و بهر سمت شناختن اب، اقدام توسط آمریکای انتقال نمادین، سفارت آمریکای کانه قدس، طرح معامله قرین، تداوم شهرک سازی در کرانه باختری و غم، همگه، نشانه های، از اب، ر و ندد فرجام هستند. احزاب، شدن، طرح الحاق، و متعاقب آن، شکایگی، انتفاضه سوم، ر و ندد، امتوقف خواهد کرد. از آنجا که اغلب کشورهای جهان، با طرح الحاق، به شدت مخالف هستند، عملیاتی شدن، اب، طرح باعث تقویت گفتار، مقاومت در حوزه عربی، اسلامی و بین المللی، خواهد شد و مسئله فلسطین، محدود آدر معوض، توجه افکار عمومی، و جامعه جهانی، قرار خواهد گرفت. از زاویه حقوق بین المللی، کرانه باختری و نوار غزه، جزء اراضی اشغال شده به شمار می آید و اشغال، اب، اراضی، توسط رژیم صهیونست، حضور اشغالگه، انه محسوب می شود. صهیونست ها با بهره گیری از پیکدگی های حقوقی، و شته انه های سیاسی، نظامی، در صدد توجیه اشغالگه، می خود هستند و حته، در مواردی مانند احداث دیوار حائل، که با اساس حکم دادگاه لاهه محکوم شدند، راهی توچه، و عدم تمکین، به قانون، را پیش می گند. به نظرمی، در سد صدف نظر، که در، صهیونست ها از اجرای این طرح در این مقطع زمانی ناشی از این قبیل نگرانی ها باشد.

#### نتیجه گیری

سیطره بر کل سرزمین فلسطین یکی از اهداف اساسی رژیم صهیونست، است. صهیونست ها طی ۷۰ سال گذشته عملاً بر همه فلسطین مسلط شده و همه سرزمین های فلسطین، را اشغال کرده اند. روند الحاق کرانه باختری به اراضی اشغالی سال ۱۹۴۸ روند مستمری بوده است که از سال ۱۹۶۷ آغاز شده و کماکان ادامه دارد. این روند با اعمال سیاست شهرک سازی و اخراج تدریجی فلسطین ها از سکونتگاه های اجدادی شان و اشغال زمین ها و منازل آنها در کرانه باختری دنبال شده است. صهیونست ها با اعمال سیاست های اشغالگری نرم و نیمه سخت



تلاش می‌کنند ضمن اشغال کرانه باختری، حساسیت کمتری در افکار عمومی ایجاد شود. سیاست صهیونیست‌ها در اشغال کرانه باختری و الحاق آن به سایر اراضی اشغالی با اصطلاح «الحاق خزنده» توصیف شده است. با وجود این، کرانه باختری و غزه از نظر قوانین بین‌المللی و قطعنامه‌های سازمان ملل به فلسطین، ها تعلق دارند و حاکمیت رژیم صهیونیستی بر آنها غیر قانونی است. رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند به تدریج بر این چالش حقوقی غلبه کند. حتی اگر صهیونیست‌ها از غزه که به لحاظ جغرافیایی منطقه‌ای کوچک است صرف نظر کنند، نمی‌توانند از کرانه باختری چشم‌پوشی کنند. کرانه باختری از نظر تقدس مذهبی، اهمیت ژئوپلیتیک و برخورداری از منابع آب و زمین‌های حاصل‌خیز برای رژیم صهیونیستی ارزش حیاتی دارد. مقدس‌ترین اماکن یهودی مانند بیت المقدس، دیوار ندبه، حرم ابراهیمی و هیکل سلیمان در کرانه باختری قرار دارد. به همین دلیل اغلب تنورسین‌های صهیونیست اعتقاد دارند رژیم صهیونیستی بدون کرانه باختری نمی‌تواند دوام بیاورد. صهیونیست‌ها برای الحاق کرانه باختری به اراضی اشغالی ۱۹۴۸ ناچارند دو اقدام اساسی انجام دهند. در مرحله اول باید اجماع عمومی در مورد الحاق کرانه باختری در داخل رژیم صهیونیستی به وجود آید و این اقدام از طریق ساختارها و فرآیندهای حقوقی به اقدامی قانونی و رسمی تبدیل شود. در مرحله بعد نظر موافق جامعه بین‌المللی و سازمان ملل در این زمینه جلب شود. جامعه بین‌المللی نسبت به الحاق کرانه باختری به اراضی اشغالی نظر مثبتی ندارد. جامعه بین‌المللی هنوز الحاق قدس شرقی به عنوان مهم‌ترین بخش کرانه باختری به اراضی اشغالی توسط رژیم صهیونیستی را به رسمیت نشناخته و آن را محکوم کرده است و فقط آمریکا و چند کشور کوچک حامی صهیونیست‌ها موضع مثبتی در قبال آن داشته‌اند. در حالی که انتقال سفارت آمریکا به شهر قدس، مهم‌ترین تحول در این رابطه به شمار می‌آید، هیچ‌یک از رؤسای قبلی آمریکا و بیشتر قریب به اتفاق کشورهای جهان با این حرکت همراهی نکرده‌اند.

آنچه مسلم است صهیونیست‌ها از هدف الحاق کرانه باختری صرف نظر نخواهند کرد؛ با این حال تلاش می‌کنند این هدف را به گونه‌ای محقق کنند که پیامدهای کمتری برای آنها داشته باشد. روی کار آمدن دونالد ترامپ فرصت، طلایی، در اختیار صهیونیست‌ها قرار داد تا الحاق کرانه باختری را با جدیت بیشتری دنبال کنند. ترامپ علاوه بر انتقال نمادین سفارت آمریکا به شهر قدس، پیمان اسلوراکه به موجب آن باید کشور فلسطین، در کرانه باختری و نوار غزه تشکیل شود، به کناری نهاد و طرح «معامله قرن» را مطرح کرد. طرح معامله قرن به اسرائیل اجازه می‌دهد بخش‌هایی از کرانه باختری را به سایر مناطق تحت اشغال خود ملحق کند.

اقدام اسرائیل به اجرای طرح الحاق کرانه باختری به اراضی اشغالی ۱۹۴۸ و دسته تأثیرات سلبی و ایجابی بر محور مقاومت دارد. الحاق موفقیت‌آمیز کرانه باختری زیرساخت‌های تشکیل دولت ملی فلسطین (در کل فلسطین یا در کرانه باختری و غزه) را نابود خواهد کرد. اشغال کرانه، بیرون کردن فلسطینی‌ها از خانه‌ها و زمین‌های شان، سلب حاکمیت از دولت خودگردان و سلب منابع هویتی از فلسطینی‌ها باعث تخریب زیرساخت‌های دولت ملی فلسطین یعنی جمعیت، سرزمین، حکومت، حاکمیت و این دولت خواهد شد.

از سوی دیگر، اقدام صهیونیست‌ها به الحاق کرانه باختری می‌تواند فرصت‌هایی نظیر انزوای بین‌المللی رژیم صهیونیستی در سطح بین‌المللی، قرار گرفتن مسئله فلسطین در مرکز توجهات جهانی و افکار عمومی، افزایش اقبال به گفتمان مقاومت مسلمانانه در مقابل رژیم صهیونیستی و در نهایت توقف روندهای مخربی را که به ضرر آرمان فلسطین در جریان است، در اختیار محور مقاومت قرار دهد. الحاق کرانه باختری احتمالاً به شکل‌گیری انتفاضه سوم خواهد انجامید و هزینه‌های امنیتی رژیم صهیونیستی به شدت افزایش خواهد یافت. در صورت الحاق موفقیت‌آمیز کرانه باختری به اراضی اشغالی و تثبیت حاکمیت صهیونیست‌ها بر کرانه باختری، محور مقاومت در ابعاد گفتمانی، هویتی، روشی، انگیزشی، سیاسی و راهبردی با چالش روبه‌رو خواهد شد.



منابع و مآخذ

- استاوریانوس، استاوروس (۱۳۹۲)، شکاف جهانی؛ سیر شکل‌گیری جهان سوم، ترجمه رضا فاضل، تهران: ثالث.
- ایرنا (۱۳۹۹)، «کرانه باختری کجاست؟»، قابل دسترسی در: <https://www.irna.ir/news>
- بول، جوزف (۱۳۹۹)، «الحاق کرانه باختری تأثیرات منفی بر روابط اروپا و تل آویو دارد»، قابل دسترسی در: <https://www.mehrnews.com/>
- برهانی، سیدهادی (۱۳۹۹)، «اگر مقاومت جهانی مؤثر نباشد، طرح الحاق کرانه باختری عملی خواهد شد»، قابل دسترسی در: <https://www.irna.ir/news>
- بوزان، باری (۱۳۸۹)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهش‌کن مطالعات راهبردی، تهران: پژوهش‌کن مطالعات راهبردی.
- پرن، دومینیک (۱۳۸۳)، فلسطین: یک سرزمین، دو ملت، ترجمه امان‌الله ترجمان، تهران: انتشارات پرشکوه.
- تسنیم (۱۳۹۹)، رژیم اسرائیل، موافقان و مخالفان داخلی نتانیاهو در طرح موسوم به الحاق کرانه باختری»، قابل دسترسی در: <https://www.tasnimnews.com> ۱۳۹۹/۴/۳
- تسنیم (۱۳۹۹)، «نگرانی صهیونیست‌ها از آغاز انتفاضه سوم از غزه تا کرانه باختری»، قابل دسترسی در: <https://www.tasnimnews.com> ۱۳۹۹/۴/۲
- تسنیم (۱۳۹۹)، «طرح موسوم به الحاق کرانه باختری و دره اردن چیست؟»، قابل دسترسی در: <https://www.tasnimnews.com>
- حنفی، ساری (۱۳۸۵)، در برابر دیوار، مجموعه مقالات به کوشش مایکل سورکین، ترجمه پرویز قاسمی و آذیتا گلزاده، تهران: روایت فتح.
- خامنه‌ای، آیت‌الله سید علی (۱۳۹۳)، بیانات در دیدار بآستانه‌شجویان، ۱۳۹۳/۵/۱، قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>
- دلیرپور، پرویز (۱۳۸۹)، نوسازی و دگرگونی سیاسی، تهران: نشر پیام نور.
- رضوی، سلمان (۱۳۹۴)، ارزش استراتژیکی کرانه باختری، گزارش راهبردی، مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه‌سازان نور.
- سعید، ادوارد (۱۳۸۲)، فراتر از واپسین آسمان، ترجمه حامد شهیدیان، تهران: هرمس.



- سلیم، محمد عبدالرئوف (۱۳۸۶)، آرژانس یهود، ترجمه کاظم نراقی، چ ۲، تهران: انتشارات اطلاعات.
- شاهاک، اسرائیل (۱۳۷۶)، تاریخ یهود. مذهب یهود، بارسنگین سه هزاره، ترجمه مجید شریف، تهران: انتشارات چاپخش.
- کلهر، محمدرضا (۱۳۹۹)، «تهدید مقاومت و مخالفت جهانی طرح الحاق رابه شکست کشاند»، قابل دسترسی در: <http://kayhan.ir/fa/news>
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشرنی.
- مهر (۱۳۹۹)، «بعد از الحاق کرانه باختری چه اتفاقی در فلسطین خواهد افتاد؟»، قابل دسترسی در:

<https://www.mehrnews.com/news/۴۹۶۳۵۱۵>

- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۸)، تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل، تهران: نشر قومس.

منابع انگلیسی

- Byman, Daniel (۲۰۱۱), A High Price: The Triumphs and Failures of Israeli Counterterrorism, Oxford University Press.
- latimes (۲۰۱۹), Netanyahu Vows to Annex 'All the Settlements' in West Bank, ۱۶/۹/۲۰۱۹: <https://www.latimes.com/world-nation/story/۲۰۱۹-۰۹-۱۶/israel-leader-vows-annex-all-settlements>
- OCHA (۲۰۲۰) East Jerusalem: <https://www.ochaopt.org/location/east-jerusalem>
- <https://farsi.palinfo.com/print/۲۰۱۸/۱/۲۱>

